

موقعیت ایران و روسیه

در آسیای مرکزی و قفقاز

در یک جلسه سخنرانی که در دفتر مطالعات سیاسی و بین‌المللی برگزار گردید آقای دیمیتری یوریکف مشاور رئیس شورای فدراسیون روسیه به تشریح نظرات خویش در زمینه همکاری بین ایران و روسیه در آسیای مرکزی و قفقاز پرداخت و در پایان به سؤالات شرکت‌کنندگان پاسخ گفت. آقای یوریکف اظهار داشت:

پس از فروپاشی اتحاد جماهیر شوروی، روسیه مایل نبود که به راحتی کنترل خود بر جمهوری‌های آسیای مرکزی و قفقاز را از دست بدهد ولی تنها کاری که می‌توانست بکند کنترل بر روی منافع خود در این جمهوری‌ها بود. زیرا روسیه به دلایل مالی قادر به حفظ موقعیت خود در آسیای مرکزی و قفقاز نیست. توسعه طلبی برای هر کشور احتیاج به سرمایه لازم و کافی دارد که متأسفانه روسیه در حال حاضر دارای چنین امکاناتی نمی‌باشد. پس از فروپاشی اتحاد جماهیر شوروی کلیه جمهوری‌های آسیای مرکزی - قفقاز و اوراسیا درگیر مشکلات متعددی از جمله اقتصادی، نظامی و سیاسی شدند، و باید اعتراف کرد که موقعیت این ملل بعد از فروپاشی به هیچوجه مساعد نمی‌باشد. فروپاشی شوروی برای روسیه و سایر کشورهای منطقه موجب ورشکستگی اقتصاد واحد، ایجاد عوارض گمرکی، کسری بودجه و مسائل مرزی گردید و در این شرایط امکان همکاری اقتصادی همچون سابق وجود ندارد. زندگی مردم از نظر معیشتی و اجتماعی در وضع بسیار بدی قرار دارد. در عین حال این واقعیت هم وجود دارد که کشورهای مستقل مشترک‌المنافع موافق روند همگرایی با روسیه نیستند. زیرا به گفته رئیس جمهوری قرقیزستان برقراری همگرایی با روسیه به منزله برگشتن به نظام شوروی است و این کار اصلاً عاقلانه نمی‌باشد. همانطور که ذکر شد روسیه توان مالی برای کنترل کشورهای آسیای مرکزی و قفقاز ندارد، و صرفاً مایل است تا تجارب گذشته خود را در زمینه‌های مختلف در اختیار این کشورها قرار دهد. روسیه خواهان همکاری نظامی با این جمهوری‌ها در زمینه حل و فصل مناقشات و اختلافات مرزی است و این امر به منزله مداخله در امور این کشورها نیست و قرارداد نظامی روسیه با ترکمنستان برای دفاع از مرزهای این جمهوری و یا ارمنستان امری بسیار طبیعی بنظر می‌رسد.

پس از روی کار آمدن طالبان در افغانستان، به دلیل همجواری با ازبکستان، قرارداد همکاری امنیتی میان مسکو و کشورهای آسیای مرکزی در تاشکند منعقد شد و نخست‌وزیران این کشورها تصمیم بر انعقاد قرارداد صلح و همکاری گرفتند. لیکن متأسفانه این قرارداد عملاً کارایی کمی داشت و در بهار سال جاری سه دولت جمهوری آذربایجان، گرجستان و ازبکستان از آن خارج شدند و تنها چهار کشور آسیای مرکزی در آن باقی ماندند. بدین ترتیب همکاری میان روسیه و کشورهای آسیای مرکزی و قفقاز تقویت نشد.

روابط اقتصادی روسیه با آسیای مرکزی و قفقاز بسیار مشکل و پیچیده است و با وجود ملاقات‌ها و گفتگوها در سطوح عالی برای همگرایی اقتصادی، تاکنون نتیجه‌ای حاصل نشده است. در نشست اخیر سران کشورهای مستقل مشترک‌المنافع در مسکو (در بهار سال جاری)، تصمیماتی در مورد ایجاد مناطق آزاد تجاری اتخاذ گردید و شرکت‌کنندگان در این جلسه روسیه، قرقیزستان و قزاقستان بودند و این تصمیم نیز به دلایل مختلف از جمله وضعیت تاجیکستان هنوز بلا تکلیف باقی مانده است.

شوروی سابق دارای یک نظام واحد اقتصادی بود و همه جمهوری‌ها در این نظام شرکت داشتند؛ لیکن پس از فروپاشی شوروی، این سیستم از بین رفت. با توجه به وجود تقاضا برای کالاهای تولیدی روسیه در مناطق مختلف کشورهای مستقل مشترک‌المنافع، اگر روند این تولیدات به صورت مشترک با جمهوری‌ها آغاز شود بسیاری از واحدهای تولیدی و مؤسسات مرتبط که میلیون‌ها نفر در آنها کار می‌کردند، دوباره آغاز به کار خواهند کرد و مشکل بیکاری نیز تا حدودی حل می‌گردد. ولی متأسفانه عوارض گمرکی مانع اصلی در راه این روند است و با وجود دیدارهای مختلف در سطوح عالی هنوز موفقیتی در این زمینه حاصل نشده است. متأسفانه روسیه نفوذ و تأثیری در این مناطق ندارد و برعکس آمریکا و ترکیه اقدامات مهمی برای نفوذ در این جمهوری‌ها انجام داده‌اند. جمهوری‌های آسیای مرکزی و قفقاز هم تمایل بیشتری به طرف آمریکا و ترکیه از خود نشان می‌دهند و این تمایلات به‌ویژه در اواسط دهه نود به علت استخراج بیش از حد نفت تقویت شده است.

روسیه و ایران دارای نکات مشترک و مواضع نزدیک به هم در زمینه مسایل آسیای مرکزی و قفقاز می‌باشند. این دو کشور مشترکاً در حل و فصل مناقشات و درگیری‌های قره‌باغ



و تاجیکستان شرکت می‌کنند و تاکنون به نتایج قابل قبولی هم دست یافته‌اند.

موضوع دیگر همکاری روسیه و ایران در مورد دریای خزر است. هر دو کشور در حال حاضر بدون هیچگونه اختلاف و تعارضی به صورت مشترک از منابع دریای خزر استفاده می‌کنند. لیکن پس از پیدایش پنج کشور ساحلی بعد از فروپاشی و سهیم شدن آنها در منابع دریای خزر مشکلاتی به وجود آمده و متأسفانه تاکنون نظام حقوقی مشخصی برای این دریا تعیین نگردیده است. موضع ایران و روسیه در این مورد بسیار به هم نزدیک است ولی دسترسی به یک نظام حقوقی مشخص فعلاً مشکل می‌باشد، زیرا جمهوری‌های آسیای مرکزی خواهان استفاده جداگانه از این دریا هستند.

به نظر من روسیه به دنبال فرصتی است تا بتواند اوضاع را بهبود بخشد. امیدوارم که انتخابات پارلمانی و ریاست جمهوری در سال آینده بتواند گام مؤثرتری در راه اصلاح روابط ایران و روسیه بردارد. ایران و روسیه به علت منافع مشترک در آسیای مرکزی و قفقاز باید کوشش کنند که ثبات را در منطقه فراهم نمایند. هر چند تاکنون به موفقیت‌هایی نیز دست یافته‌اند ولی گاهی اوقات مداخله‌های خارجی به‌ویژه از سوی آمریکا و غرب مانع از تداوم موفقیت‌ها شده است. رابطه آمریکا و ایران کاملاً مشخص و خصمانه است. ولی رابطه آمریکا و روسیه از یک طرف ظاهراً دوستانه بوده و از طرف دیگر در مورد کشورهای آسیای مرکزی و قفقاز و مهار روسیه بسیار خصمانه است. آمریکا می‌خواهد مانع ادامه رابطه دوستی روسیه و ایران گردد و موقعیت روسیه را در منطقه آسیای مرکزی و قفقاز تضعیف نماید. آمریکا همه توان خود را به منظور جدایی روسیه از کشورهای مستقل مشترک‌المنافع و قطع رابطه سیاسی و اقتصادی روسیه با این کشورها به کار گرفته است. از طرف دیگر سعی می‌کند با انعقاد پیمان‌های نظامی و اقتصادی با این کشورها موقعیت و موضع خود را تحکیم بخشد و آن‌ها را وابسته به خود نماید و نقش خود را در صحنه جهانی توسعه بخشد. لیکن ما معتقدیم که نقش روسیه و ایران بسیار مهم‌تر از نقش آمریکا در منطقه است و آن‌ها می‌توانند موقعیت خود را تحکیم بخشند. آمریکا خواستار پیوستن این جمهوری‌ها به پیمان آتلانتیک شمالی (ناتو) می‌باشد و معتقد است که اگر آن‌ها به این پیمان پیوندند هیچ خطری آن‌ها را تهدید نمی‌کند و مشکلات نژادی و منازعات تسلیحاتی از بین خواهند رفت. در صورتی که روسیه مخالف



گسترش ناتو به سمت همسایگان شمالی است و می‌خواهد که خود مسائل و مناقشات منطقه را حل نماید. ایران و روسیه بطور جدی باید در مورد همکاری در جنبه‌های مختلف سیاسی، نظامی و اقتصادی باهم گفتگو نمایند و مواضع خود را هرچه بیشتر به هم نزدیک سازند تا بتوانند در آینده با حمایت از همدیگر مسائل و مشکلات منطقه‌ای را مرتفع سازند. پس از پایان سخنرانی، آقای یوریکف به سؤالات مطرح شده پاسخ گفت.

در مورد ضعف اتحادیه کشورهای مستقل مشترک‌المنافع و خروج کشورهای آذربایجان و گرجستان از پیمان امنیتی تاشکند و ایجاد اتحادیه گوم با شرکت کشورهای آذربایجان، گرجستان، مولداوی و اوکراین، با توجه به جهت‌گیری این اتحادیه و تحولات یکسال اخیر آن و اینکه یک مقام گرجی اعلام کرده است که این اتحادیه، یک اتحادیه سیاسی نیست و شرکت ایران و ارمنستان و حتی روسیه در آن بلامانع است، پیرامون نظر روسیه در این جهت که ظاهراً این اتحادیه بستری است برای حضور و نفوذ آتی ناتو در منطقه، آقای یوریکف اظهار داشت، به نظر من جامعه گوم در حال حاضر از خود فعالیتی نشان نداده و نخواهد داد. اما کشورهایی که عضو این اتحادیه هستند ممکن است به طور جداگانه با ناتو همکاری خاصی داشته باشند، مثل گرجستان، حتی اوکراین با وجود نزدیکی رابطه با ناتو اگر مشکلی به وجود آید، حاضر نخواهد شد با ناتو همکاری وسیع داشته باشد. گرجستان دیدگاه خاصی نسبت به گوم دارد و شواردناده چندین بار از ناتو تقاضا کرده که در رفع بحران‌های داخلی آن کشور کمک نماید ولی فکر نمی‌کنم که این امر عملی شود. البته باید گفت که دلیل ایجاد گوم ضعف روسیه بوده است، اگر روسیه در گرجستان، آذربایجان، مولداوی و ازبکستان فعالتر بود فکر نمی‌کنم کسی موفق می‌شد این کشورها را به طرف یک اتحادیه سیاسی و امنیتی جذب نماید. البته ممکن است روسیه هم تماس‌هایی را با این اتحادیه برقرار نماید که دیگر فایده‌ای ندارد. اما خطر اصلی از سوی کشورهای عضو گوم نیست، بلکه از فعالیت‌های علنی و غیرعلنی امریکا و کشورهای غربی است.

در زمینه تأثیر انتخابات آینده ریاست جمهوری روسیه بر روابط ایران و روسیه وی گفت رئیس جمهوری انتخاب شده طبعاً مدافع منافع ملی روسیه می‌باشد و چون منافع ملی روسیه در برقراری رابطه حسنه با ایران تأمین می‌شود، حتماً این رابطه رو به بهبود خواهد



رفت. البته تصور نمی‌کنم که با رئیس‌جمهور منتخب از حزب دموکراتهای روسیه رابطه ایران و روسیه بهتر شود و احتمالاً بدتر هم خواهد شد؛ ولی اگر سیاستمداری متوازن و با عدالت باشد حتماً این رابطه بهتر خواهد شد.

پیرامون روابط روسیه و جمهوری آذربایجان، با توجه به گفته رئیس‌جمهور سابق آذربایجان مبنی بر این‌که آذربایجان سه دشمن استراتژیک (روسیه، ایران، ارمنستان) و سه دوست استراتژیک (اسرائیل، آمریکا و ترکیه) دارد و اینکه با وجود کنار رفتن وی هنوز سیاست کلی آذربایجان در این راستا قرار دارد، آقای یوریکف تأکید نمود که با صراحت کامل باید بگویم که متأسفانه تاریخ چند ساله روسیه و جمهوری آذربایجان، گویای امکانات استفاده نشده است. در آذربایجان صنایع عظیم نفتی (نه تنها استخراج نفت) و بسیاری از صنایع دیگر وجود دارد که در زمان شوروی به صورت مشترک با روسیه فعالیت می‌کردند. به دلیل اینکه پس از فروپاشی شوروی بین روسیه و جمهوری آذربایجان مرزی به وجود آمد و عوارض گمرکی تعیین شد، لذا این همکاری از بین رفت و به تجارت خشکبار و کالاهایی از این قبیل محدود شد که جوابگوی احتیاجات مردم دو کشور نیست. اگر بین این دو کشور مرزی به وجود نمی‌آمد، طبعاً روابط خیلی خوبی وجود داشت. با بروز مسأله قره‌باغ و موضوع پایگاه نظامی روسیه، با وجود تلاش‌های بسیار علی‌اف که عضو دفتر سیاسی زمان شوروی بود و از زندگی خود در مسکو خاطرات خوبی داشت، موفق نشد موانع را برطرف نماید و از طرف دیگر آمریکا و ترکیه و کشورهای غربی جمهوری آذربایجان را تشویق می‌کردند که بر منابع نفتی خود تأکید و از روسیه دوری نمایند. اکنون من نمی‌توانم بگویم که روسیه دشمن جمهوری آذربایجان تلقی می‌گردد یا نه؟ اما حقیقت این است که جمهوری آذربایجان از روسیه دور شده و نیمی از این تقصیر برعهده خود روسیه است.

پروین معظمی‌گودرزی

مرکز مطالعات آسیای مرکزی و قفقاز

